۲

چه با سیمرغ و چه بی‌سیمرغ

ساعد سهیلی: خوشحالم این نقش مورد توجه قرار گرفته است. امسال بازی‌های درخشانی وجود دارد اما چه با سیمرغ و چه بدون آن، هدفی دارم که دنبال می‌کنم و جشنواره را حتی بدون سیمرغ دوست دارم. فکر می‌کنم سینا هم مانند من سیمرغ برایش مهم نیست. بازی سینا را دیدم و شگفت زده شدم و می‌توانم بگویم اصلاً شبیه خودش نبود.

از صحبت‌های این بازیگر در نشست خبری «شهرک»

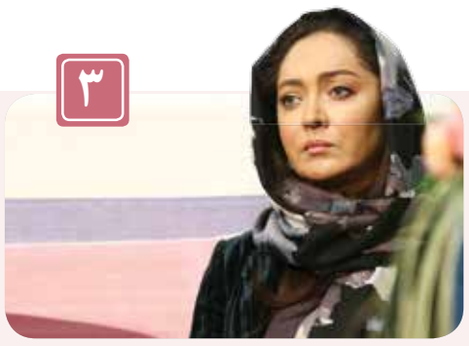

۳

کشمکش جدید

نیکی کریمی: آنچه بیش از همه برای من جذابیت داشت، یک فیلمنامه جدید بود. حتی اگر من پیش از این، «برج مینو» و «بوی پیراهن یوسف» را کار کردم، آن فیلم‌ها در پس زمینه‌اش جنگ بود ولی «دسته دختران» برای من یک کشمکش جدید بود. بعد از یک ماه از فیلمبرداری سانحه‌ای پیش آمد که هم جمجمه‌ام شکست و هم مهره گردنم آسیب دید، اما آنقدر به کار علاقه داشتم که هر روز تفنگ چند کیلویی را بلند می‌کردم و سر فیلمبرداری می‌رفتم.

از صحبت‌های این بازیگر در گفت‌وگو با ایسنا

عکس: روابط عمومی فیلم

■ **اصولاً فیلم‌هایی که با هزینه کم ساخته می‌شوند، آپارتمانی هستند اما از آنجایی که برای اجرای این پروژه سفرهای زیادی را پشت سر گذاشتید و حداقل در پنج شهر فیلمبرداری داشتید چطور گفته شده که فیلم، از کم هزینه‌ترین پروژه‌های سینمایی است؟**

روزانه بین شانزده تا بیست ساعت سر صحنه بودیم و ساعات زیادی را برای رسیدن به لوکیشن‌ها باید اختصاص می‌دادیم. گروه فقط یک بار از هواپیما استفاده کرد و نزدیک به دو هزار و سیصد کیلومتر را با اتوبوس به تهران تولید به همراه شرایط پاندمی استرس کار را دو چندان می‌کند. اگر کارگردان بتواند مسائل حاشیه‌ای را که گاهی متن تولید را در دست می‌گیرند، نادیده بگیرد و به ریتم و ضرباهنگ و انسجام اثر خود فکر کند، بی‌شک ثمره بهتری را می‌بیند.

■ **فکر می‌کنید در نهایت فیلم بتواند نظر منتقدان و مخاطبان را جلب کند؟**

امیدوارم مورد پسندشان قرار بگیرد. سعی کردیم یک فیلم شریف و صادقانه بسازیم و از ابتدا هم هدف خود را تخصیص سود حاصل از فروش این فیلم به کودکان سرطانی گذاشتیم.

بازگشت. بسیاری از عوامل دستمزدهای پایین‌تر از حد معمول دریافت کردند و با این همه تغییر و جابه جایی ۵۸ جلسه فیلمبرداری داشتیم. از حیث تجهیزات هم در شرایط بسیار معمولی بودیم. در اکثر شهرستان‌ها افراد با حسن نیت و ایده پشت کار که یک امر خطیر اجتماعی بود با ما همکاری کردند. در طی مراحل کار بسیاری بیشتر از توان خود مایه گذاشتند و من از همه این عزیزان بی‌نهایت سپاسگزارم. امیدوارم این فیلم مقبول افتد و کارگشا باشد.

نگاهی به «بی رویا»
ساخته آرین وزیر دفتری

توقف فیلم در بخش میانی

نقد فیلم

سحر عصرآزاد
منتقد سینما

فیلم سینمایی «بی رویا» درامی روانشناختی - معمایی با محوریت به چالش کشیده شدن هویت یک زن است که بتدریج به کلیت جهان پیرامونش بسط می‌یابد اما تا تبدیل شدن به یک فیلم تأمل برانگیز فاصله دارد.

آرین وزیردفتری پس از ساخت فیلم‌های کوتاه موفق همچون «مثل بچه آدم» و «هنوز نه»، اولین فیلم بلند سینمایی خود را بر اساس فیلمنامه‌ای از خودش کارگردانی کرده است. «بی رویا» تم محوری آشنا و تکرارشونده‌ای از آثار کوتاه فیلمساز را محور قرار داده که همان بحران هویت و چالش‌های برآمده از آن است.

فیلم با یک زوج جوان و در آستانه مهاجرت آغاز می‌شود که با ورود دختری گمشده، اتفاقاتی نامتعارف در مسیر زندگیشان شکل می‌گیرد. این خلاصه داستان کوتاه، نوید این را می‌دهد که با یک اثر رازآلود و معمایی مواجه شویم که قرار است مخاطب را به لایه‌هایی متفاوت و عمیق از روابط انسانی بر مرز ناپیدای رئالیسم و سوررئالیسم ببرد.

هرچند این ایده و موقعیت اولیه قابلیت تبدیل شدن به اثری جذاب و تعلیقی را دارد اما نوع خوانش فیلمساز از آن، توان اداره یک فیلم بلند سینمایی را در طول ۹۰ دقیقه ندارد و به همین دلیل با اینکه شروع کنجکاوی برانگیزی دارد، در بخش میانی دچار افت و رکود می‌شود.

فیلم بواسطه همراهی با کاراکتر رویا و پناه دادن او به دختری گمشده و بی‌نام پیش می‌رود که او را زیبا می‌نامد. اما دختر بتدریج چرخش شخصیتی پیدا کرده و تلاش می‌کند هویت رویا را تصاحب کرده و جایش را بگیرد.

این روند تدریجی در مسیر رئالیسم و بدون نشانه‌هایی از جهان سوررئال پیش می‌رود و جایی که باید پاسخی متناسب با اتمسفر و کدهای چیده شده در طول درام به مخاطب داده شود، فیلم به جای پاسخ دادن و رسیدن به نقطه ثبات نسبی، هرچه بیشتر از واقع‌گرایی فاصله می‌گیرد و ابهام و پیچیدگی فرمی را با درجا زدن در یک موقعیت ساکن انتخاب می‌کند.

به همین واسطه است که از سکانس بیمارستان شاهد موقعیتی تکرارشونده بین رویا، شوهرش؛ بابک و زیبا/رویا هستیم که رویا یک سری سؤالات مشابه را در حالت‌های مختلف مطرح می‌کند و آنها هم به شکلی غیرمنطقی از پاسخگویی طفره می‌روند تا این بده بستان تکرار شود.

این موقعیت در بیمارستان، خانه، اسباب کشی و جشن تولد به همین شکل ادامه دارد و مهم‌ترین دستاورد آن زندانی شدن رویا در اتاق و رفتن به مؤسسه خیریه است که باز هم قصه را پیش نمی‌برد و پاسخ ضمنی ولو فراواقعی به این پرسش‌ها داده نشده بلکه به ابهام پیرامونی دامن زده می‌شود.

درحالی که سکانس گفت‌وگوی رویا و زیبا در راه پله که چند دیالوگ مبهم از زیبا را به همراه دارد، می‌توانست زودتر و قبل از درجا زدن فیلم در موقعیت‌های تکرارشونده شکل بگیرد تا مانع از رکود بخش میانی شود.

به نظر می‌آید این نقطه ضعف بیش از هر چیز برآمده از ظرفیت‌های ایده و موقعیت اولیه باشد که قابلیت اداره یک فیلم بلند سینمایی را با پرداخت حاضر ندارد و چه بسا اگر در یک فیلم کوتاه مورد بسط و گسترش قرار می‌گرفت، تبدیل به فیلمی کامل و تأمل برانگیز می‌شد.

عکس: محمد بدرلو

اتوبوس بهانه‌ای است برای دیدن یک قرن ایران

مستند

نیما مهدیان
کارگردان «آن مرد با اتوبوس آمد»

زمان تولد تا لحظه مرگ ما، سفری کوتاه را می‌ماند؛ از مبدأیی نامعلوم به مقصدی نامعلوم تر. پیاده یا سواره... تنها یا با همسفر، جانکاه یا مستانه و سرخوش... خواستم از پنجره‌های غبارگرفته اتوبوس، حیات مردم شهرم را که نه! ملتم را در این سفر کوتاه، پایش کنم که چطور در کوران حوادث قرنی که گذشت، گاه به مهربانی و ایثار یک مادر همه وجودشان را فدا کردند و گاه عصیانگرانه- بغض هایشان را- با نیشتر زدن به دیگر مسافران این عالم فرونشاندند. اتوبوس بهانه‌ای است برای دیدن یک قرن ایران پر التهاب اما پابرجا! اتوبوس کالبدی است که روح جامعه با تمام دگرگونی‌های فرهنگی اش را در افعال مسافران آن یافتم. خاستگاه این ادعا عقبه‌ای دارد به مدت دو سال و چند ماه پژوهش پیرامون این پدیده که روزی نماد تکنولوژی و مدرنیته می‌بود و تمامی طبقات جامعه را در برمی‌گرفت. ایضاً اتوبوس رمزواژه ای است شبح آلود برای سبکی از مدیریت! درست در تضاد با شایسته‌سالاری و مترادف با نخبه‌کشی! و من بجز پرداختن به این دو مهم (ثبت هویت اجتماعی- سیاسی ازمنظرمعروضه) هدف دیگری برای ساخت این مستند نداشتم. چنانچه فیلم مستند به مثابه آیینه‌ای تمام نما از صحیح و سقیم کردار ما باشد، امیدوارم با تهیه این فیلم قدمی مثبت ولو ناچیز در راستای تعالی اخلاق مدنی و آگاهی بخشی جمعی برداشته باشم. در پایان، مایه خشنودی حقیر است اعلام کنم که تاکنون این سفر جانفرسا را پیاده و گاه سینه خیز طی کردم و سوار هیچ اتوبوسی نشده‌ام. بنابراین ژانر کمدی مستتر در اثر پیش رو بیشتر منبعث از نگرشی است که نسبت به این سفر کوتاه دارم...

نگاهی به فیلم «بدون قرار قبلی»
ساخته بهروز شعیبی

بازگشت به خلوت پدر

نقد فیلم

علیرضا نراقی
منتقد سینما

ایده بازگشت در یک درام از اساس با هویت و چالش‌های آن گره خورده است. بازگشت اغلب برای حل کردن گره‌های گذشته رخ می‌دهد اما عناصری با اهمیت از حال و آینده را دگرگون می‌کند. خاصه وقتی بحث بازگشت به وطن باشد، پرسش از هویت و چالش‌های گاه متحول کننده آن برجسته‌تر می‌شود. هر بازگشتی نوعی بازیابی است، پس بازگشت نوعی راه نرفته است، سفری است به پیش و نه به پس. حتی اگر این بازگشت به مانند بازگشت فیلم «بدون قرار قبلی» ساخته بهروز شعیبی بدون خواست وقصد کسی که بازمی‌گردد رخ دهد، باز هم هویت و برساخته‌های آن ناخودآگاه شکل می‌گیرند. یاسی با بازی پگاه آهنگرانی سی سال است که به آلمان مهاجرت کرده، آنجا تحصیل کرده و مشغول پزشکی است. اما حالا مطلع می‌شود پدرش مرده و وصیت کرده که او برای خاکسپاری‌اش بازگردد. او سی سال است که از پدر بی‌خبر است و همین مسأله او را برای بازگشت مردد می‌کند، اما درنهایت به وطن بازمی‌گردد. فیلم در ادامه روایتی آشنا دارد از بازشناسی پدر و وطن و هویت.

یاسی در عین کم حرفی و آرامی، از نوعی اندوه و سرگشتگی رنج می‌برد. سرگشتگی او علاوه‌بر خلوت‌اش به شکلی دقیق‌تر در پسر خردسال‌اش نمایان است. الکس فرزند یاسی نشانه‌ای پر اهمیت در فیلم است، او که به شکلی آزاردهنده ناآرام و گنگ است همچون انسان هویت باخته و بی‌سرزمینی نمادین شده که جایگاه رهایی و آرامش خود را پیدا نمی‌کند. این بدیع‌ترین نشانه‌ای است که فیلم در ارتباط با موضوع خود می‌سازد. اما نشانه‌های دیگر اغلب آشنا، قابل پیش‌بینی و به شکلی توریستی پرداخت شده‌اند. چوب، کاه‌گل، کاشی‌کاری، معماری ایرانی، معنویت، گرما و صمیمیت خانواده، فضای داخلی و سبک زندگی سنتی همه جاذبه دارند اما هم بسیار مصرف شده‌اند و هم به جا آوردن برخی از آنها به این شکل که شعیبی نمایش داده در بستر اجتماعی امروز دشوار و دور از ذهن است. اما نکته بااهمیت این است که موتیف‌ها و نشانه‌های آشنا را شعیبی با یک طراحی بصری و کارگردانی جذاب شکل داده است. هر چند که آن نگاه توریستی گاهی به دوربین هم نفوذ کرده اما با وجود این فیلم حس و حال و هوای گیرایی دارد و این مهم‌ترین نکته در یک فیلم است. فضای نرم و روند آرام درام به نوعی است که در امتزاج با این صحنه‌پردازی و طراحی‌های زیبای مکان و موقعیت و فضا، فیلم را به سبک و لحنی دلپذیر و دوست داشتنی رسانده است.

یکی از عناصر جالب توجه در «بدون قرار قبلی» ساخت حضور از طریق غیاب است. پدر در فیلم حاضر نیست، اما فیلم به نوعی پیش می‌رود که شخصیت، فضا و زیست پدر فهمیده می‌شود و با وجود عدم حضورش به یکی از شخصیت‌های مهم اثر بدل می‌گردد. خیلی از پلان‌های فیلم در راستای همین ایده هستند، یعنی ساخت یک حضور نامرئی در بدنه فیلم. «بدون قرار قبلی» سعی دارد به پرسش از هویت پاسخ دهد و آن را در ریشه‌ها و گذشته بازشناسی کند به همین دلیل بازگشت به نوعی سعادت گره می‌خورد. گویی که در پس بازگشت و بازیابی هویت پدری توسط یاسی سعادت و استقرار او در آرامش رخ می‌دهد.

عکس: امید صالحی

گاه‌شمار جشنواره

سی و پنجمین دوره بهمن ۱۳۹۵

دوره سی و پنجم فیلم فجر در بهمن ماه ۱۳۹۵ در تهران برگزار شد. ترکیب اعضای هیأت داوران این دوره را چهره‌هایی چون: محمدرضا هنرمند، شهرام اسدی، محمدمهدی دادگو، محمدرضا تخت‌کشیان، رؤیا نونهالی، ایرج رامین‌فر و اکبر نبوی تشکیل دادند. فیلم‌های مطرح این دوره شامل این اسامی بودند: ماجرای نیمروز، بدون تاریخ بدون امضا، تابستان داغ، زیر سقف دودی، رگ خواب، گشت ارشاد ۲، سد معبر، ویلایی‌ها، سوفی و دیوانه، خوب بد جلف، یک روز بخصوص، بیست و یک روز بعد و قاتل اهلی.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم با حضور رقبایی مثل: بدون تاریخ بدون امضا، تابستان داغ، فِراری و زیر سقف دودی، به فیلم ماجرای نیمروز به کارگردانی محمدحسین مهدویان رسید. همچنین سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی با حضور کارگردان‌های مطرحی چون: ابراهیم ایرج زاد، پوران درخشنده، علیرضا داوودنژاد، محمدحسین مهدویان و رامبد جوان، به وحید جلیلوند به خاطر فیلم بدون تاریخ بدون امضا رسید. سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد به محسن تنابنده به خاطر فیلم فِراری اهدا شد و لیلا حاتمی موفق شد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را به خاطر بازی در فیلم رگ خواب از آن خود کند. کریستف رضاعی به خاطر موسیقی متن فیلم نگار موفق شد سیمرغ بلورین این بخش را به دست آورد. سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه به کامبوزیا پرتوی به خاطر فیلم فِراری اهدا شد. سیمرغ بلورین بهترین جلوه‌های ویژه میدانی به آرش آقابیک به خاطر فیلم‌های رگ خواب، خفگی و یک روز بخصوص رسید و بهترین جلوه‌های ویژه بصری به محمد قاسمی به خاطر فیلم ویلایی‌ها اهدا شد. همچنین سیمرغ بلورین بهترین تدوین به خاطر فیلم تابستان داغ به سهراب خسروی رسید. سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی نیز به ایمان امیدواری به خاطر چهره‌پردازی در فیلم زیر سقف دودی اهدا شد.

در بخش بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، سیمرغ بلورین این بخش به فیلم ماجرای نیمروز رسید.

رگ خواب